

به ۲۸- امین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی

رقای ارجمند!

جامعه و دمکراتیزه کردن همه شئون زندگی در اتحاد شوروی پرداخته، نه تنها برای مردم شوروی، بلکه برای همه مردم جهان دارای اهمیت سترگی است.
ما امیدوارم که اندیشه نوین در پاسخگویی به ضرورت های عینی مناسبات بین کشورها، در وهله نخست، به حل منطقی و ادامه در صن ۸

کمیته مرکزی حزب توده ایران در آستانه یکی از سرنوشت سازترین کنگره های حزب کمونیست اتحاد شوروی صمیمانه ترین تبریکات و بهترین آرزوهای خود را در برگزاری موقیت امیز این کنگره تاریخی به شما تقدیم می دارد.
روند دگرگونسازی که با بکارگیری شیوه و پرایتک نوادریشی، به طرح و حل مسائل

آرکان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۳۱۸، دوره هشتم،
سال هفتم، ۱۲ تیر ۱۳۶۹

بدرو
رفیق
شعبان
ص ۷

حزب
کمونیست
روسیه
تشکیل شد
ص ۶۰۵، ۴

کمک به زلزله زدگان یک وظیفه وجودانی است

ما دولت می تواند و باید با تجدید نظر در بودجه کشور هزینه عظیم نظامی را کاهش داده و به حساب آن ساختن واحدهای مسکونی دائمی (نه موقت) را در گیلان و زنجان آغاز کند.
خبرگزاریها با خیرت خبر می دهند که تهران از اکیپ پژوهشکی خارجی خواسته تا مناطق زلزله زده را ترک گفته و به کشورهایشان بازگردند. چرا؟ گویا، خود دولت قادر به معالجه بیش از ۱۰۰ هزار تن زخمی است. چنین برخوردی زائیده مبارزه دو جناح عمد است.
اما، این فقط یک روی سکه است. روی دیگر سکه، عکس العمل خونسردانه کشورهای خارجی به فاجعه روی داده در میهن ماست. برای نمونه فاجعه کشور ما را با فاجعه ارمنستان و عکس العمل دولتها و رسانه های گروهی در این زمینه را می توان مقایسه کرد. گرچه خرابیها و تلفات واردہ به دو استان ایران براتب گستردہ تر و ادامه در صن ۸

بیش از ۵۰ هزار تن کشته، ۲۰۰ هزار تن زخمی و ۵۰ هزار خانوار بی خانمان ۱ چنین است بیلان ناقام وحشتانک زلزله در استان های گیلان و زنجان. این یکی از مخرب ترین "غصب" طبیعت است که در این شرایط بسیار سخت اجتماعی - اقتصادی حاکم بر جامعه، دامنکنیر صدها هزار خانوار محروم و رنجیده میباشد بلاکشیده ما شده است. هنوز اخبار دقیق و کامل تلفات جانی و مالی زلزله معلوم نیست. اما، طبق اخبار رسیده سدها رosta و شهر و شهرک به مخربه مبدل شده اند. همه آنچه گفته شد عظمت فاجعه ای را که می توان آن را فاجعه ملی نامید، نشان می دهد.

مسئیت مردم دو استان ایران، همه بشریت انساندوست را به حرکت درآورده است. تاکنون ۸۶ کشور آمادگی خود را برای کمک به آنها اعلام داشته اند. دهها هواپیما حامل دارو و بتو و چادر و دیگر کالاهای مورد نیاز در فروندگاههای ایران به زمین می نشینند. این همبستگی و همدردی جامعه بشری قابل تقدیر و قدردانی است و مردم ایران آن را فراموش نخواهند کرد.

اما، تأسف اور است که ارگان های صلاحیتدار رزم کار تخلیه هواپیماها را خوب سازمان نمی دهند و بعض تخلیه آنها ۴۸ ساعت طول می کشد.

کمک به زلزله زدگان وظیفه وجودانی است - فرد ما ایرانیان است. و این تنها شامل جمع آوری کمک که خود ضرورت عاجل دارد نیست. باید کوشید تا هم کمک های جمع آوری شده در داخل و هم کمک های رسیده از خارج سروقت و بدون کم و کاست میان خانوارهای از دیده تقسیم گردد. تحریر گذشته نشان داده، کم نیستند نابکارانی که بخواهند از آب گل آسود ماهی بکیرند. یعنی کمک های خارجی را به روال گذشته به بازار سیاه منتقل سازند. برای جلوگیری از اینکونه اعمال نایسنده، شهروندان مناطق زلزله زده باید هرچه زودتر، بدون اجازه دادن به دخالت ارگان های دولتی، کمیته های ویژه کمک از خود زلزله زدگان تشکیل دهند و همه امور مربوط به تقسیم کمک را مستقیما تحت نظارت خود گیرند. در دیگر شهرها هم کمیته های مشابه باید جمع آوری کمک و تحويل آن به کمیته های مناطق زلزله زده را سازمان دهند.

باید از دولت خواست تا هرچه زودتر برنامه بازسازی سریع مناطق زلزله زده را تنظیم و آن را در معرض اتفاقات عمومی قرار دهد. بازسازی باید تا رسیدن قابل زمستان و بیویه فصل باران در گیلان پایان باید. به نظر

دو روی یک سکه قلب

مذاکرات مجلس به سمع مردم می رسد و نایاندگان هر مطلبی را که صلاح بدانند در نقطه هایشان مطرح می کنند. کوچکترین سانسوری وجود ندارد... "(کیهان ۸ خرداد ۶۹).
اینکونه سخنان قالبی را بسیاری از متولیان امور بیان کرده اند.
نایب رئیس مجلس نوشت: "مجلس سردمدار آزادی و... برخورد با زالوصفت های اقتصادی است"
نماینده دیگری مجلس را "یکی از مجالس فعل و پر تحرک دنیا" خواند (همان جا).

البته، این سخنان روی کاغذ واقعیت دارند. مجلس و مجلسیان بدون قید و شرط از همه آن آزادیها و حقوق و برخوردار است. نطق نایاندگان و کلیه

به مناسب دهmin سالگرد تشکیل "مجلس شورای اسلامی" تبلیفات گستردۀ ای به راه انتاد و سخنگویان "ولایت فقیه" مجلس را چون "ازادترین و مردمی ترین مجلس جهان" ستودند. آقای کرویی رئیس "مجلس شورای اسلامی" در جمع خبرنگاران داخلی و خارجی از جمله چنین گفت: "مجلس از هیئت دولت و ریاست جمهور حق سؤال و استیضاح دارد. کلیه قوانین که قرار است در کشور اجرا شود و کلیه قراردادها و عهدهنامه ها باید از تصویب مجلس بگذرد. مجلس حق تحقیق و تفحص در همه امور کشور را دارد. براساس اصل ۹۰ می تواند شکایاتی را که از کلیه تشکیلات قضایی و اجرایی می رسد رسیدگی کند. مجلس از آزادی ویژه ای برخوردار است. نطق نایاندگان و کلیه

کمک به زلزله زدگان یک وظیفه انسانی است!

آنها، وزارت اطلاعات، وزارت کشور، سازمان های به اصطلاح "بازرسی" و نظایر بیشم آنان، و مسایل مربوط به آنها، یکسره از حیله نفوذ و حتی اطلاع "نمایندگان امت اسلامی" خارج است. همچنین "نمایندگان" حق نداشتند و ندارند به مستله حیاتی جنگ و صلح حتی به اشاره هم سخن گویند یا به "حقیقی و تفحص" پیدا زند: مسایل جانکاه معمول به ادامه کیته تویی و چنایتکارانه چنگی که سالها ادامه یافت یکسره از شمول نظرات "نمایندگان مجلس" به دور ماند. چنگی که صدها و صدها هزار از جوانان میهن را به کشتن داد و خاتمه های بیشم از دادگارساخت، صدها هزار معلوم و بیمار و آواره و اسیر و بی خانمان به روی دست جامعه نهاد، صدها میلیارد دلار خسارت بیار آورد، صدها شهر و روستا را ویران ساخت. چنین بدیده وحشتاتکی با این عظمت تاریخی - جهانی یکسره از شمول "حقیقی و تفحص" مجلسیان به دور بوده و هستند.

نهن منع مصاحبه رئیس مجلس، خبرنگاری از روی پرسید: "میرزا آزادی و امنیت سیاسی نمایندگان مجلس در نقط پیش از دستور چه حد است و آیا تا به حال در این رابطه برای نمایندگان مشکلی ایجاد شده است؟ او پاسخ داد:

"گاهی اوقات دستگاه قضائی نمایندگان را به دنبال شکایت دستگاه اجرائی (۱) و شکایت خصوصی (۲) احضار می کند (۱) ولی نکفت "دستگاه اجرائی" از نمایندگان مجلس که کویا "از آزادی و پیوه ای برخوردارند" چه شکایتی می تواند داشته باشد، و طی این ده سال چند "نماینده امت"، "احضار" شده و در بی آن سرمه نیست شده اند؟

نایب رئیس مجلس از "برخورد مجلس با زالهای اقصادی" یاد کرد. برای آنکه معلوم شود این "برخورد" تا چه حد تعریخش بوده است از سخنان رئیس مجلس اخذ سند می کنیم که در همان مصاحبه مطبوعاتی ناچار شد اتراف کند: "متاسفانه شکبه های سرمایه داری در ایران ریشه دوانه اند و با هم بطور هماهنگ عمل می کنند و هرگونه اصلاحاتی را به شکست می کشانند"!

رئیس مجلس همچنین در توجیه "ازادی" نمایندگان گفت: "کلیه مذاکرات مجلس به سمع مردم می رسد" حقیقت این است که نمایندگانی که قبل از "انتخابات" و در جریان آن از سافی های مکرر گذشته و "صلاحیت" خود را دوآتشه به ثبوت رسانده و در جوی از جهل و جنایت و استبداد مطلق به "نمایندگی" اشتغال دارند. و در مجلس نیز با تهدیدات "ولی قیمه" و خطر "احصار" مواجه اند چگونه می توانند در سخنان خود از "خط" بپرون شوند؟

آقای کرویی می گوید: "کوچکترین سانسوری وجود ندارد"، مگر درباره تعزیرات حاکمان "شرع" تعزیرات فراشان و ماموران سرکوب یا نوشته های فرمایشی کماشگان "ولايت" در مطبوعات مجاز، سانسور وجود ندارد! اما معین آقای کرویی، در جای دیگر، در برابر تهییت تهدید آمیز "ولی امر مسلمین" - خامنه ای - بند را به آب داد و خلاف همه آنچه درباره آزادی و حقوق و اختیارات مجلس و مجلسیان گفته بود داد سخن داد.

او در تحریر هرچه خفت بارتر "مجلس و مجلسیان" سنگ تمام گذاشت و چنین گفت: "نمایندگان مجلس به تمام معنی مطبع و لایت قیمه و مقام رهبری هستند و چنانکه در مواردی نیز ولی امر و مقام رهبری مصلحت مهمی را تشخیص دند به خاطر مستله مهمی اطلاع خواهند کرد و از حق قانونی خود" صرف نظر می کنند. فرمان ولی قیمه برای مجلس شورای اسلامی مطاعت است و اگر مجلس احسان کند که مقام رهبری موضوعی را مصلحت می داند مطمئناً بدان عمل می کنند".

جوخه تیریاران می سپارند؟ کدام "مuibat" اجازه می دهد که روزانه دهها و صدها نفر را در کوچه ها بکیرند، اسیر کنند، و به شکنجه گاه بسپارند و سرمه نیست کنند و یا به گلوله بینند و بکشند و در گورستان های بی نام و نشان مدقون کند، یا برای نابود کردن بیکنهاه درین، زندانها را متصری کنند، یا به دختران اسیر در شب تیریاران شان رذیلانه، لابد "در راه خدا"، مجاوز کنند؟ آیا بنابر "اصل ۹۰" قانون اساسی، نمایندگان حتی به یکی از این جنایات رسیدگی کرده اند؟

دوم؛ به طور کلی قراردادها و عهدنامه ها و مواقعت نامه های سیاسی و اقتصادی و غیره به تصویب مجلس می رسد. در بهترین حالت فقط پس از اجرای این استاد بین المللی است که ممکن است "نماینده ای" از آن اطلاع حاصل کند. بسیاری از مقررات اجرائی مسائل سیاست داخلی و خارجی برای تعیین "نمایندگان" محروم است و اطلاع برآنها منوع است. چه بسا رویدادهای مهمی که به گونه ای فراگیر در کشور می گذرد، ولی "نماینده مجلس مطلع نی شود و یا اگرچه ببرد به روی خود نمی اورد و بالاخره هرگاه ناچار به اظهارنظر شد آنکونه سخن می گوید که به مسئولان و عاملان اصلی ایرادی نباشد و فقط برخی ماموران جز و عوامل اجرائی مقصص شناخته شوند (مانند تسليح عشایر و تجویز خانها با اسلحه دولت).

سوم؛ بیشتر مuibat مجلس در این دوران ده ساله عبارتند از:

- مقرراتی که رژیم برای تعویت خود کامکی بدانها نیاز دارد و به خواست سلت و نیاز جامعه ربط ندارد؛ از آنچمه اند: قانون سرکوبکارانه احزاب و مطبوعات، تشکیل "وزارت اطلاعات"، سپاه، بسیج و مانند آنها.

- مقررات ضد انسانی و مخالف اخلاق و عرف جامعه، چون "قانون قصاص و دیانت"، "تعزیرات" ...

- مuibatی که از روی ریا و تزویر و تظاهر به "شرع" وضع می شود و در حقیقت نوعی "کلام شرعی است" که "ولی قیمه" سرخود می گذارد و در ماهیت امر تأثیری ندارد؛ و نیز مقررات و ضوابطی که راه را برای غارت سرمایه داران و انکل های اقتصادی باز و هموار می سازد همانند: "حذف بهره بانکی"، "مضاربه"، "فرض الحسنة" و مانند آنها یا مقررات مربوط به توزیع واردات و صادرات وغیره.

- قوانینی که برایر بی اطلاعی و بی سعادی واضحان وضع می شود به گونه ای که یا موجبات اجرای آنها فراهم نیست، یا تضمینی برای اجرای نیاز دارد و در نظر گرفتن همه جوانب شرمندی شده، جز در درس و مراجعت برای مردم تأثیری ندارد.

چهارم؛ بسیاری از مuibat مجلس، بویژه هرگاه به شناخت سرمایه داران آسیب رساند یا به ارکان حاکمیت استبداد و ارتخای خلی وارد سازد از جانب "شورای تکهبان" رد می شود و یا در "چاه وبل" می انتد و فراموش می شودا مانند قانون "اگذاری زمین" به دهقانان "مuibat" مطبوعات معرف به "بازارگانی خارجی"، "قانون کار" و ...

پنجم؛ سازمانها و نهادهای چون ارتش، نیروی انتظامی، کمیته های انقلاب، سپاه پاسداران، بسیج، بنیاد به اصطلاح "مستضعفین" و "بنیاد امام" و مانند

دو روی یك ...

اختیاراتی که در جم خبرنگاران بدانها اشاره شد روی کاغذ برخوردارند. اما واقعیت دیگر این است که همین "نمایندگان" در کل نظام "ولايت قیمه" در عمل قانونگذاری، در نظام مخصوص رهبری باید بدون قید و شرط مطیع محضرا باشند و از "ولی امر مسلمین" کورکرانه پیروی کنند.

هرگاه کارنامه ۱۰ ساله "مجلس شورای اسلامی" مورد ارزیابی قرار گیرد، در یک کلام باید گفت، "مجلس" از پای پست ویران است.

برهمکان روشن است که سرآغاز تشکیل "مجلس" همان تدارکات گستره دقيق و حساب شده "انتخابات" از جانب مقامات حکومتی برای تعیین "نمایندگان" است. داولطلب نمایندگی فقط وقتی می تواند به مجلس راه یابد که با داشتن سوابق معین "مکتبی" از صافی های مکرر و متعدد - از مجلس گرفته تا "شورای نکهبان و آخرسراز از صافی خود مجلس شورای اسلامی" که عناصر "غیریه" را از خود می راند -

بکذرد. طبیعی است که با چنین شرایط و محدودیت هاشی، صرفنظر از موارد استثنائی، عمولاً عناصری به مجلس راه می یابند که وظیفه نمایندگی برای آنها چیزی نیست جز خط امام" صادر و به آنها بلالغ می شود.

در این ۱۰ سال عمر مجلس، بخش مهمی از نقط قبل از دستور "حضرات نمایندگان" را سخنان قالبی و میان تهی مشتمل برچالوسی و تصفیه حساب و خودنمایی و تکرار بی ربط گفته های متولیان "ولايت" تشکیل می دهد و چاشنی آن نیز مطالب فرمایشی است که به مناسبی در دستور روز قرار می گیرد و "نماینده" باید دریاره آن دادخن دهد.

دریاره "حق" نماینده در ستوال و استیضاح باید گفت زمانی که خمینی زنده بود با نهیب پرخاشکر خود مخالفان و مزاحمان را بر جای می نشاند و اکنون که او مرده است، پیام های تهدید آمیز و خشم آگین جانشین او نیز سرزنش یکپارچه و همانگ سایر مجلسیان و مطبوعات مجاز کشور "نماینده" مزاحم را به سکوت و تسلیم وادر می کند، بویژه آنکه خطر "احصار" از جانب "قوه مقننه" نیز در پیش است.

دریاره "مuibat مجلس" باید گفت به هیچ وجه چنان نیست که رئیس مجلس می گوید: "کلیه قوانینی که قرار است در کشور اجرا شود و قراردادها و عهدنامه ها از تصویب مجلس می گذرد".

نخست؛ آنکه بیشتر مقررات اجرائی و قضائی کشور و آنچه عملاً خودسرانه بدان پرداخته می شود هیچگونه مجوز قانونی، حتی قرار و خابطه ای ندارد. حاکمان "شرع" و ماموران و فراشان "ولی قیمه" بنابر حکم مالوک و یا به تشخیص خود به هرآقادم شیرقانونی و هرجانایت ضد انسانی دست می زند. چه قرار و قانونی برای شکنجه گاهها و بیدادگاههای "شرع" وجود دارد که بی گناهان را در زیر شکنجه می کشند یا در شرف سه دیگه به

حزب کمونیست روسيه تشکيل شد

رويدادها در اتحاد شوروی با سرعت در حال تغيير ان. مکانيسم نوسازی سوسياليسم که هدف عده آن تورى و پراتيك دگرگونسازی است به علت اشتباكات مكرر، عمل نمی کند. جامعه دچار تپ بحران عميق اجتماعي - اقتصادي است. روند دمکراتيزه کردن شئون سياسی کشور که با سرعت يسابقه اي جريان داشته و يك عمل مشت تاریخي بشمار می رود، به علل عديده و از آنجمله و بویژه عدم آشنائي سازمان های پيشمار سياسی و... به فرهنگ سياسی بحث و مبارزه، در مواردی می رود تا نقش منفي ایفا کند. آنچه در جمهوري های گوناگون شوروی روی می دهد و بعضاً حتی به جنگ داخلی مبدل می گردد، تاثير مخرب در اقتصاد کشور دارد. همه آنچه گفته شد در رسانه های گروهي اتحاد شوروی در مقیاس وسیع بررسی می شود. اگر مجموعه آنها راخلاصه کنیم می توان گفت دراین کشور چنان جوی بوجود آمده که انصباط کار به سطح نازلی رسیده و تولید در همه رشته ها سیر قهقرائي دارد، قفسه های ممتازه ها خالی هستند. و ناراضي مردم رویه تشدید است.

بانزدیك شدن تشکيل کنکره بیست و هشت حزب کمونیست اتحاد شوروی، جو سياسی هم تیره تر می شود. تشتت نکری در درون حزب کمونیست - بزرگرین حزب سياسی آن کشور که بيش از ۲۰ میليون تن عضور دارد، حاکم است. کمونیست ها، بویژه روشنفکران با طرح انواع کارهاي ها روپارويی هم قرار گرفته ان. رهبران شوروی و مفسران مسائل حزبي از وجود جناح های راست و چپ افراطي تا ميانه روها در جامعه و نيز در درون حزب کمونیست اتحاد شوروی سخن می گويند. کوتاه سخن بحران سازمان های اجتماعي - سياسی رافقا گرفته است.

در چين شرایطی بود که کفارانس کمونیست های روسيه برای اجایي حزب کمونیست جمهوري فدرال سوسياليستي روسيه، آغاز به کار کرد و پس از کارهای مقدماتي به کنکره موسسان حزب تغيير شکل داد. با توجه به اهمیت حزب کمونیست جدید روسيه به مشابه یکی از بزرگرین احزاب اتحاد شوروی، "نامه مردم" پاره ای مسائل مهم طرح شده در کنفرانس را به نقل از مطبوعات شوروی ("سوتسکایا راسیا"، شماره ۱۴۵-۱۴۶، سال ۹۰؛ "ایزوستیا" شماره ۱۷۲، سال ۹۰) برای آشنائي خوانندگان با اين مسائل منتشر می کند.

شرکت کنندگان دراین کنفرانس مسائل ارائه شده در سه گزارش را، مورد بررسی قرار دادند که عبارتند از "کارهاي دمکراتيك در حزب کمونیست اتحاد شوروی"، "کارهاي مارکسيستي حزب کمونیست اتحاد شوروی" و سند تحت عنوان "کنکره ابتکاري کمونیست های روسيه".

"کارپايه دمکراتيك در

حزب کمونیست اتحاد شوروی"

دگرگونسازی که حزب کمونیست اتحاد شوروی آغازگر آن بود، عملاً ترمز شده و اصولاً به ترمز روند هايی که حزب مبتکرش بود، مبدل شده است. حزب کمونیست اتحاد شوروی که با بحران عميق روپرست، می رود تا حمایت مردم و جمهوريها را ازدست بدهد.

اين امر بسیار مهم است و باید بطور جدي درباره اش آنديشید. باید دید که ما به کدام سو حرکت می کنیم و نایاندگان شرکت کننده دراین گردهمايی برای تغيير وضع باید چه کارهایی را نگاه دهن. باید روشن کرد که آيا حزب می تواند محرك نوسازی اساسی شود و یاينکه باید عرصه سياسی راترک کند؟ آيا حزب می تواند به يك سازمان سیاسی معاصر واقعی مبدل گردد و یا اينکه کماکان بر بنیاد کهنه، که تاریخ آن را عملاً رد کرده، باقی خواهد ماند؟ راه سومی وجود ندارد.

اینکه حزب جدید روسيه چکونه خواهد

و حزب کمونیست را به عقب می رانند، ضرورت دارد. ما، نباید هدف تخيلي از قبيل آنچه حزب کمونیست اتحاد شوروی در گذشته طرح می کرد، پيش بکشيم. باید انحصار يك ايدئولوژي و انحصار حاكمیت حزب را از بين بردا. باید از اصول واحد و سیستم و مقولات کهنه و بدنام گذشته دست برداشت.

حزب باید پاسخ دقیق به زندگی در حال تغيير و تبدیل بدهد و نباید خود را مدعی یکانه دانش همیشه نافذ بداند. حزب باید برهمه ارزش های دمکراتيك که نظرات ماركس، انگلسا، لئن، گرامشي و دیکر توریسین های مارکسيسم یکی از مبنایش است، تکیه کند. حزب باید واقعاً دمکراتيك باشد و فعالیت خود را بر اساس ارزش های همه بشری، اصول دمکراتيك استوار سازد و ضامن معتبر حق اقلیت باشد.

"کارپايه مارکسيستي در

حزب کمونیست اتحاد شوروی"

بود و پراساس کدام اصول تشکيل خواهد شد - آيا به پيش نظاره خواهد کرد یا به عقب خواهد نکریست - موجب نگرانی حزب کمونیست اتحاد شوروی است.

موضوع "کارهاي دمکراتيك" عبارت است از ضرورت ايجاد حزبي که همکام با پارلمان روسيه بتواند در جمهوري فدرال سوسياليستي روسيه، اصلاحات اقتصادي - سیاسي اجام دهد، اريخي اقتصاد و حفاظت اجتماعي و توانق ملی را تامين کند.

حزب جدید باید چنان سازمانی باشد که برای احياء وجهه و جلب اعتماد شهر وندان روسيه، داوطلبانه از کلیه امتیازات سیاسي خویش دست بردارد و داوطلبانه بخش عده اموالش را به مردم بدهد. حزب باید حق رهبری سیاسي را فقط و فقط از طریق انتخابات عمومی پارلمانی و روابط شرافقمندانه با دیکر احزاب سیاسی کسب کند. در کشورهای متعدد پارلمانی، همه احزاب به استثنای آنهاي که فعالیتشان غیرقانونی است، عضو پارلمان مستند.

امروز، امتناع از اصولی که عمل نمی کنند

فقط با آئین نامه واحد و کارت حزبی واحد بود. روشن است که تشکیل حزب کمونیست روسيه را نمی توان تنهایه مسائل سازمانی محدود کرد.

مسئله عمده عبارت است از تعیین هدف های حزب، روشن کردن علت موجودیت آن و اینکه زحمتکشان را به کجا فرا می خواند. اینکه آیا مردم به آن باور خواهند کرد و درکارش باقی خواهند ماند و وجهه اش بالا خواهد رفت، به میزان زیادی وابسته به مسائل پیشگفته است. و بالاخره پیشرو و یا عقب دار بودن حزب نیز با این مسائل پیووند دارد. هس از آنکه ما همه چیز را روشن کنیم، می توان پیرامون چکونکی سازمان دادن کار - از طریق پیووندهای عمودی و یا موازی، در طول یا عرض - سخن به میان آورد.

در اوان کنفرانس، در مشاوره تایندگان هیئت های تایندگی، این نظر که امروز، حزب بیش از حد سرگرم تشوریزه کردن است و رهنمود و توصیه درباره ارزیابی وضع حاضر در جامعه و حزب را به دست فراموشی سپرده، مطرح شد. در واقع نیز حزب درباره بروز رفت از مشکلات چیزی به دست نیز دهد. اما، با این فکر که حزب بیش از اندازه مشغول مسائل نظری است نیز نمی توان مواقعت کرد. امکان آن بوجود آمده که حزب هرچه بیشتر به جمال درون حزبی کشانده شود. کار نظری در حزب کمونیست اتحاد شوروی بطاق نسیان سپرده شده است. درست برای اینکه مسائل عمومی حل نمی شوند، ما اغلب در حل مسائل جزئی و تاکتیکی در می یابیم. امروز در حزب تر قदمان آتناتیو و دکماتس "نوین دگرگونسازی" درباره مسائل عدیده، عمل می کند. در گذشته، سوسیالیسم رشد یافته و اقتصاد صرفه جو و تمیخش کردن کار فاقد آتناتیو بودند، امروز نوع دگرگونسازی که به مورد اجرا گذارده شده، فاقد آتناتیو معرفی می شود.

در "کنکره ابتکاری" پیرامون تعبیر دکماتیک شعار اولویت ارزش های عموم بشری بر طبقاتی و نفی پرخورد های طبقاتی سخن رفت. چنین به نظر می آید که کسی با آن مخالفت ندارد. با این وجود، حزب عملناخت این شعار از تحلیل طبقاتی و ارزیابی طبقاتی دست می کشد. به همین سبب پرسش زیرین به شکل حادی مطرح می شود:

آیا دگرگونسازی در مسیر صحیح پیش می رود، آیا عملکرد اختصاصی آن تحریف نمی شود و آیا دگرگونسازی در جهت منافع اکثریت زحمتکشان است؟

موضوع دیگر، چرا درهیج یک از مدارک حزب تحلیلی درباره گسترش لایه بندی در جامعه وجود ندارد؟ همه می دانیم که لایه بندی در جامعه برایه شاخص ثروت جریان دارد و بر این

آنچه اکثریت اعضای حزب پذیرقه اند باید به موقع اجرا گذارد شود. اما، به اقلیت هم باید تضمین معین درباره انتهای از آن تصمیمات، که اشتباه می دانند و نیز حق سازمان دادن کارهایه داده شود.

باید خاطرنشان ساخت که "کارهایه مارکسیستی" علیه فراکسیونیسم است. در اساسنامه باید تعریف کامل روشی از فراکسیون داده شود تا از سوی، هر کارهایه نظری موجود در حزب به مثابه فراکسیون ارزیابی نکردد و از سوی دیگر، امکان ایجاد تفرقه در صفوی حزب را منتفی سازد.

سازمان های حزبی باید در حل مسائل محلی دارای خودگردانی واقعی باشند. تصمیمات آنها را نباید کسی تغییر دهد. مراجعات برابری اصول تشکل این سازمانها ضرورت دارد. ابته،

این به معنای تحدید کار حزبی در چارچوب مجتمع های کار نیست. در عین حال، گسترش هرچه بیشتر کار حزبی در مناطق مسکونی زحمتکشان، بویژه در پیوند با انتخاب ارگانها، در شرایط وجود سیستم چند حزبی، لازم است.

به تشدید کار در سازمان ها و جنبش های گوناگون توده ای نیز نیاز بیشتری احساس می شود. حزب باید برای گفتگوهای سیاسی و رفقن به سوی اتحادهای سیاسی با دیگر احزاب و سازمان های آمادگی داشته باشد و این اکنون، یعنی در شرایط ضرورت جلوگیری از خطر خزینه کشور به سمت تصادمات اجتماعی، بویژه اهمیت دارد.

ما باید در وهله نخست به سوی آنانی که انتخاب سوسیالیستی را رد نمی کنند، دست درازکنیم. اکنون در برایر ما، یا آتناتیو تبدیل به حزب حاکم گذشته، به حزب سابق کارمندان دولتی و یا رفقن به درون توده ها، همراه آنان بودن، دفاع از منافع آنها و تبدیل شدن به سخنکوی موضع آنها در دولت، قرار دارد.

کنکره ابتکاری کمونیست های روسيه"

هدف "کنکره ابتکاری" کمونیست های روسيه، سازماندهی نهضت نیرومند از پائین برای ایجاد حزب کمونیست روسيه بود. خواست کمونیست های جداگانه، حوزه های حزبی و حتی سازمان های منطقه ای، استانی و ناحیه ای در این باره، مورد حمایت مرکز قرار نکرفت. این خواستها با هیچکوئه عکس العملی ریرو نکردید و یا با عکس العمل ویژه ای پاسخ داده می شد، گرچه سخن، قبل از هرچیز، بر سر تحقق اتحاد سازمانی کمونیست های جمهوری، فقط محدوده حزب کمونیست اتحاد شوروی و نیز

حزب باید اعضای خود را حول دو محور متصور روشن از سوسیالیسم و دورنمای کمونیستی پاسخگوی واقعیات جهان معاصر متعدد سازد. برای حل این دو مسئله، حزب باید پایه های سازمانی و سنت های سیاسی کار حزبی گذشته را از بیخ و بن عوض کند.

برنامه جامع برون رفت از بحران هنوز پیشنهاد نشده است. برنامه دولت درباره گذار به اقتصاد بازار تنظیم شونده، فقط در ورودی به اقتصاد بازار را، نیمه باز می کند و روینای بوروکراتیک را دست نخواهد باقی می گذارد. حزبکت به سوی اقتصاد بازار، این مستله مهم راکه اقتصاد در خدمت اکثریت مردم و منافع زحمتکشان خواهد بود قاطعه نهضت می کند. اصل در اینجا، تلافی و جبران بودجه ای خسارت دیدگان از اصلاحات نیست. اصل عبارت از آن است که خود مکانیسم اقتصادی پیشکری از رشد ناهنجار روندها و جلوگیری از ضربات واردہ بر رفاه عمومی را تضمین کند. چرخش به سوی مکانیسم اقتصادی توین بی ضرر نخواهد بود. ولی، برای رساندن آن به حداقل باید اثربخشی مکانیسم دفاع اجتماعی را تقویت کرد. با تبدیل ارگان های تولیدی و خودگردانی های منطقه ای زحمتکشان و سازمان های اجتماعی دمکراتیک به بیستون توده ای شوراها در هر سطحی، می توان آنها را به ارگان های واقعی حاکمیت اکثریت تغییر شکل داد.

اگر ما بخواهیم یک حزب کمونیست باقی مانیم، در آن صورت موظفیم تا مضمون دورنمای سوسیالیستی و کمونیستی را دقیقاً تعیین کنیم، زیرا در این زمینه هنوز نا روشی وجود دارد و این هم تشتبه اندکار در حزب را تعمیق می بخشد. گرچه کارهایه کمیته مرکزی کوشیده تا مفهوم سوسیالیسم انسانی و دمکراتیک را روشن کند، با این هم در نسخه اولیه، آن را چنان تغییر کرده که بیشتر به وعده انتخاباتی شباهت دارد تا تصور توریک درباره جامعه آینده.

استعداد پهکاوی طرق حل همه معضلات رفع دهنده انسانها در حال حاضر، با چکونکی سازماندهی حزب پیوند ناگستینی دارد. حزب کمونیست باید اتحاد داولطلبانه واقعی همنکران باشد. باید ارثیه فرماندهی - بوروکراتیک در حزب را کنار گذارد. باید از مرکزیت بوروکراتیک بپرید، اما هیچ سازمان سیاسی بدون مرکزیت و انتظام غیر تواند عمل کند. البته حق تصمیم گیری نهایی فقط باید به عهده جلسات عمومی کنفرانسها و کنکره ها و اگذار شود. کمیته های حزبی و غیره فقط برای اداره امور سازمانی در پیوند با اجرای قرارهای مصوب ایجاد می گرددند.

پرده بگویم که همراه با برخی دیگر از اعضای کمیته مرکزی بارها پیشنهاداتی را مطرح کرده از هیئت سیاسی و اعضای مشخص آن انتقاد کرده اند. اما این عمل ما، اکثرا با عکس العمل لازم مواجه نبوده است. افزون بر این، انواع برچسب ها را هم به ما زده اند. مثلاً، به آنها که زیاد انتقاد می کردند، برچسب مخالفان دگرگونسازی، راست های افراطی وغیره می زدند.

میخانیل سرگیویچ، در یکی از مشاوره های دبیران کمیته مرکزی و دبیران سازمان های حزبی منطقه ای و استانی من از شما پرسیدم: آیا در میان ما مخالفان دگرگونسازی وجود دارند؟ در آن زمان به این تیجه رسیدم که چین افرادی درین ما وجود ندارند. لذا پرسشن دیگری مطرح بین ما وجود ندارند. شد: تقسیم اعضای کمیته مرکزی به رادیکال ها و محافظه کاران برای چه کسانی لازم است؟ شما پاسخ دادید: "حتماً به نفع کسی است". رگبار ضربات بر حزب برنامه ریزی شده و رو به افزایش است. این ضربات نخست بر کادرها وارد شد و حالا اندیشه مربوط به مصادره اموال حزب و تقسیم آنها، مصادره روزنامه ها و استکناک از پرداخت حق عضویت ها به حساب بودجه حزب مطرح می شود. من هم طرفدار علنی شدن بودجه حزب مستم. اما، رفاقتی عزیز، کیست که نداند همه اینها در مجموع خود، جز اقدامات سازمان یافته برای از هم پاشیدن حزب کمونیست اتحاد شوروی از درون نبوده و نیست؟ در این مورد باید حد و اندازه را تشخیص داد. در روسیه سفید و برخی دیگر از جمهوری ها هنوز مشابه این اعمال به چشم غی خورد. رفاقتی روس، پیائید بالاخره رسید کی کمیم و بینم همه اینها به نفع کیست؟ در همه کنفرانس های منطقه ای و استانی این پرسشن مطرح بود.

باید اعتراف کرد که کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی بیش از حد به هیئت سیاسی اعتماد کرده است. بوروی کمیته مرکزی حزب کمونیست برای رسیدگی به امور جمهوری فدرال سوسیالیستی روسیه، عملکاری انجام نداده است. کمیته های محلی حزب تعمیف شیوه کار جمعی در سطح عالی رهبری سیاسی را احسان می کنند و سر موقع میچ اطلاعات ضرور پیرامون عده ترین مسائل زندگی حزب دریافت نمی دارند. چنانکه گفته شد، در این اواخر کار آنها از جاذب هیئت سیاسی و هیئت دبیران عملکاری هدایت نمی شود. در عین حال از بالا رهنمود اکید دایر بر خودداری از دخالت در مسائل اقتصادی صادر می گردد. بدینسان در حالی که مکانیسم کارای نوین اداره اقتصاد بوجود نیامده است و سوراهای هنوز به عنوان ارگان های واقعی حاکمیت شکل نگرفته اند، حزب از اداره حیات اقتصادی کنار گذارده شده است. و این یکی از علل عدم خذیدن اقتصاد کشور به عقب و علت خیلی از ناکامی های ما در روند دگرگونسازی به شمار می رود. کمیته اقتصادی کنفرانس اتحاد شوروی دگرگونسازی هستند. اما، نه به حساب کاهش سطح زندگی

ما، مسئله ایجاد حزب کمونیست روسیه را در زمان بسیار سخت برای حزب کمونیست اتحاد شوروی، حل می کنیم. اینکه حزب با ابتكار و اراده اکثریت توده های حزبی روسیه تشکیل می شود، موجب خرسنده است. این، به معنای جا اتفاق دادن ایده کمونیستی در شعور انسانها، به معنای ژرفای اعتقاد مردم به اصول و آرمان های انسانی حزب، به معنای عظمت باور زحمتکشان به امکانات سازنده حزب است.

اکثریت مطلق کمونیست های سازمان حزبی منطقه کراسنادارسک به این نتیجه رسیده اند که باید در ایجاد حزب کمونیست روسیه، قبل از هرچیز، تجدید ساختمان حزب کمونیست اتحاد شوروی بر بنیاد نوین را، مشاهده کرد. دیروز در اینجا این پرسشن بارها مطرح شد؛ حزب کمونیست روسیه چگونه باید باشد؟ به باور من، نه دیروز و نه امروز، اختلاف بزرگی باوره اینکه این حزب باید حزب انتخاب سوسیالیستی با دورنمای کمونیستی باشد، وجود ندارد. هیئت غایندگی ما به نام ۳۲۴ هزار کمونیست کویان با این سمت گیری موفق است. با تعیین انتخاب سوسیالیستی، سیاست نوسازی سوسیالیسم و دفاع از منافع حیاتی زحمتکشان به متابه هدف عالی است که حزب می تواند روزی حمایت همه جانبه اعضای خود حساب کند.

خلی از مشکلات کنوی، فقط ناشی از دفرمه شدن سوسیالیسم در دوران کیش شخصیت استالین، اراده کرایی و یا رکود نیست، بلکه زانیده اشتباها در جریان دگرگونسازی، بویژه هرج و مرچ نظری در حزب نیز هست که الکساندر، نیکلایلیویچ یا کولوف، عضو هیئت سیاسی حزب کمونیست اتحاد شوروی خیلی ساده آن را " واضح میهم " نامید. اکنون می بینم که این موضع برای حزب کمونیست اتحاد شوروی تا چه آندازه گران تمام می شود.

مواضع دبیران کنوی حزب کمونیست اتحاد شوروی که مقاومت لازم در برابر نفی کنندگان مارکیسم - لینینیسم و پراتیک ساختمان سوسیالیسم نمی کنند، موجبات نکرانی خیلی از کمونیستها و غیر حزبی ها را فراهم آورده است. حرف بر سر دفاع از دگم های ایدئولوژیک نیست، بلکه متوجه فرموله کردن و به اذان عمومی رساندن ماهیت انسانی مارکیسم - لینینیسم رشد یابنده، حقایق دریاباره سیاست حزب، تعیین مقام و منزلت نسل های گذشته مردم شوروی است که همه آنچه امروز دارم برایان بوجود آورده اند. روش است که با خط بطلان کشیدن ناموجه به گذشته و ارائه آن به متابه زنگیره ای از اشتباها و تراژدی ها، ما تنها نسل کنوی را بی آینده غی کنیم.

ناپرکیری، عدول از مسائل اصولی، وعده های نوین و نوین، دیرکردن در اتخاذ تدابیر جدی، قدران درایت لازم برای برطرف ساختن سریع اشتباها، نشانکر قدران برنامه عمل دقیق حزب کمونیست روسیه است که ما در کنفرانس حزب کمونیست روسیه ای از مادر زیر ترجمه آن را برای اکاهی خوانندگان منتشر می کنیم.

اساس نیروهای سیاسی جدید ظاهر می شوند. در ضمن باید تاکید کرد که آنها با تکیه بر مرکزیت عمل می کنند. در حال حاضر دمکراتیزه کردن جامعه مورد نیاز آنها نیست. این نیروها می کوشند تا زیر پوشش دمکراتیزه کردن، انواع عوامگیری ها را جا پزند و حزب را به بحث های بی سرانجام بکشانند.

دبیراره پایگاه اجتماعی حزب مردم زحمتکش به شکل حادی بی عدالتی اجتماعی را حسن می کنند و به همین علت نیز کارگران صنوف حزب را ترک می کنند.

پیرامون تفسیر دگماتیک پلورالیسم، قبل از همه در درون حزب. برخی ها به وقت می آیند؛ چه خوب است که ما توانستیم روندهای دمکراتیک را گسترش دهیم، آخ چه پلورالیسمی. هم بر راس راستها و هم بر راس چپها، هم بر راس جبهه متحده ای زحمتکشان اعضای حزب ما قرار دارند. هم آنایی که طرفدار کمونیسم اند و هم آنایی که علیه کمونیسم اند - همه عضو حزب ما هستند.

وحدت، کلمه سترگی است، اما ما خواهان وحدت مارکیست ها هستیم نه طرفدار وحدت مارکیست ها با تحریف گران مارکیست. لحظه کنونی، وظیفه عمدۀ حزب کمونیست پایان دادن به تشتیف افکار، تردید و تزلزل است.

نظر مربوط به عدم امکان استفاده از مدل های خشک و ظالمانه در ساختمان جامعه، مورد اعتراض کسی نیست. اما، زیرا بیشتر، قدران برنامه های دقیق، حتی برای زمان کوتاه را تبریه می کنند. تحت شعار تغیر وظایف حزب، غمی توان و نباید به هیچ وجه از تدوین سیاست اجتماعی - اقتصادی سر پیچی کرد. در صورت وقوع چنین حادثه ای، حزب به درد کسی نخواهد خورد.

دبیراول جدید

کمونیست های روسیه چه می گوید

کنگره موسسان حزب کمونیست روسیه، ای. ل. پولوزکف دبیراول ساقی سازمان حزبی منطقه کراسنادارسک را به سمت دبیراول دبیراول انتخاب کرد که شانزده میلیون عضو دارد. طبیعی است که همه مای خواهیم بدانیم دبیراول حزب جدید کمونیست های روسیه چه می گوید و چگونه می اندیشد. بلاfacسله پس از انتخابات وی به سمت دبیراول بزرگترین حزب در اتحاد شوروی، مفسران سیاسی رسانه های غربی او را به عنوان محافظه کار و مخالف سیاست دگرگونسازی میخانیل کاریاچف معرفی کردند. آیا واقعاً هم چنین است؟

آخرین سندي که ما در دست داریم و می تواند به خوانندگان در جستجوی پاسخ به این پرسشن یاری دهد، سخنرانی پلوزکف در کنفرانس حزب کمونیست روسیه است که ما در زیر ترجمه آن را برای اکاهی خوانندگان منتشر می کنیم.

بدرود و فیق شعبان

رفیق یعقوب زادگان (شعبان درخشان نور) از میان رفت و قلبی لبریز از نیروی ایمان به سعادت و بهروزی مردم از حرکت بازماند. رفیق شعبان بدون کوچکترین تمنای همه عمرش را صرف مبارزه در راه آرمان های حزبیش کرد و در این راه کوچکترین تزلزلی به خود راه نداد.

او در بیوگرافی خود می‌نویسد:

در سال ۱۹۱۱ در سیاهکل بدنی آمد. پدرم پیشه ور و مادرم کشاورز مزدور بود پس از فوت پدرم به شهرستان رشت کوچ کردم. به علت قصر مالی در حین تحصیل به کار پرداخته و در چاپخانه ای واقع در بندر انزلی مشغول بکار شدم. در سال ۱۹۲۰ مقاومت کوچکی باز کردم و ضمن انجام کارهای جلد سازی در همین مقاومت به پخش نشریات مترقب آن روز مانند "پیکار" و "ستاره سرخ" پرداختم. در سال ۱۹۲۱ به عضویت حزب کمونیست ایران که در آن زمان فعالیت مخفی داشت درآمده و پس از گذشت چند ماه از سوی پلیس رضاشاه دستگیر و تا سال ۱۹۴۱ در حبس و تعید بودم و با ورود ارتشم متفقین به ایران من نیز آزادی خود را باز یافته و برای ادامه فعالیت سیاسی وارد تشکیلات حزب توده ایران شدم و تا سال ۱۹۴۴ براساس رهنمودهای حزب در مناطق مختلف ایران به کار سازماندهی و فعالیت در تشکیلات کارگری کارکرده و انتشار عضویت در هیئت اجرایی شورای متعدد مرکزی را پیدا کردم. در سال ۱۹۴۸ تایانده دومنی کنکره حزب توده ایران و در سال ۱۹۴۹ مشغول فعالیت مخفی گردیدم. در سال ۱۹۵۲ دستگیر شدم ولی از آنجا که پلیس امکان دستیابی به مشخصات واقعی مرا پیدا نکرد با کمک رقتا از زندان آزاد شدم و در سال ۱۹۵۴ مجبور به مهاجرت و در سال ۱۹۵۷ عضو شورای مرکزی کنفراسیون سندیکاهای جهانی شدم.

رفیق شعبان در مهاجرت نیز همیشه و در همه حال با حزب و در کار حزبیش بود و به عنوان عضو مشاور کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان از انجام مستولیت های خود از هیچ کوششی دریغ نکرد. قلب پرپتشش، کلام مهربانیش و نیروی امیدبخشش هر مصاحبه را به مبارزه در راه سعادت و بهروزی مردم ایران فرامی خواند و خود نیز با امیدی سرشار به این پیروزی چشم از جهان فریست.

ما، درگذشت رفیق شعبان را به همه رفقا و دوستان و بهیزه خانواده وی تسلیت می‌کوییم.

راهش پُر رهو و یادش گرامی باشد.

پذیرش توده های حزبی نیست، بلکه هدف مرکزیت - دمکراتیک واقعی بسان آنچه لذین می‌دید، یعنی چنان مرکزیت - دمکراتیکی که در عمل روح دمکراتیک دارد و اولویت حاکمیت توده های حزبی و شرکت فعل آنها در تدوین و اجرای سیاست حزب را تامین کند. چنان مرکزیت - دمکراتیک ضرورت دارد که آفرینش رهبران، کیش ها و شخصیت های بدون آلتنتیو را منتفی سازد.

موضوع چهارم، مبارزه حزب در راه دمکراتیزه کردن واقعی جامعه است. البته نه بدان طریق که نیروهای عده سازنده، یعنی انسان های زحمتکش، کارگران و دهقانان و دیگر لایه های زحمتکش را برومی‌می‌تینگ ها، افسارگیرها و غرور سیاسی به کنار جاده زندگی سیاسی بیاندازد، بلکه چنان دمکراتیزه کردنی که آنها را واقعاً هم بر رأس حاکمیت قرار دهد. اگر ما، این راههای اساسی را گم نکنیم، اگر از پایگاه اجتماعی خود جدا شویم، حزب تحریم خواهد یافت و رشد خواهد نمود.

در شرایط پلورالیسم سیاسی و سیستم چند حزبی، تاکتیک کمونیستها باید عبارت باشد از: بسیج همه نهضت های اجتماعی و اتحادیه هایی که به سوسیالیسم صادق اند و آماده حل مضلاع مشکل روسیه و مجموعه کشور هستند. آنچه مربوط به انواع نیروهای شد سوسیالیستی و ضد کمونیستی است، دراینجا ما باید موضع قاطع و اصولی اتخاذ کرد و حقایق پیرامون نیات واقعی آنها را سر و وقت، برای مردم بازگو نکنیم. مسافران کمیته مرکزی و ارگانهای آن چنین مواضعی ندارند.

مسئله مهم روز، کار بیان کمونیستها در سازمان های محلی حزب، در شوراهای و دیگر سازمان های اجتماعی است. اکنون همه ما به وضع نابسامان کمونیستها در شوراهای بوده ام. هر حزبی در مرکشوری در راه حاکمیت سیاسی و یا در راه تأثیرگذاری بر ارگان های دولتی حاکمیت به قصد تحقیق سیاستش از طریق تاییدگان آزاد شدم و در سال ۱۹۵۴ مجبور نزد ما چگونه است؟ ما ناظر بروز عقاید ضد و نقیضی در حزب هستیم. کمونیستها علیه ایجاد گروه مشخص حزبی هستند و بین انواع گروهها و اتحادیه های تاییدگذاری پراکنده اند و این نیز امکان ایجاد کارهایه واحد تاییدگان کمونیستها را از حزب سلب می‌کند. ما، باید داشت ایجاد کارهایه واحد کمونیستها را هرچه زودتر فراهمیم.

بالاخره، همه ما می‌دانیم که چه کار سنگینی در پیش داریم. به نظر من، کنکره ما باید مسائل سازمانی عده را در مرحله نخست حل کند، یعنی ارگان های رهبری تا کمیته مرکزی باید انتخاب شوند تا بتوان در کنکره بیست و هشتم حزب کمونیست اتحاد شوروی به مثالی حزب متشكل شرکت کرد و بتوان مرحله دوم کنکره را تدارک دید. فعالیت حزب کمونیست روسیه باید هرچه زودتر گسترش یابد.

زمتکشان، نه از طریق الفای دستاوردهای اجتماعی و نه به حساب نفی تضمین های سوسیالیستی. اگر امروز خیلی از اقتصاددانان و سیاستمداران ما طرق نوسازی سوسیالیسم را پیدا نکرده و یا نخواسته اند پیدا کنند، این بدان معنا نیست که راه برون رفت یکی است؛ بازگشت به عقب و همه را طبق مدل سوئد و دانمارک یا مر مدل دیگری از آغاز کردن.

کمی کردن کورکواره هریک از این مدل ها، هراندازه هم جالب باشد، آن هم با عجله هرچه تامتر، حداقل یک عمل جدی نیست.

چنانکه دراینجا به درستی گفته شد، هیچکس درباره اصلاحات بینادین در اقتصاد با کمیته مرکزی، با کمونیستها مشورت نکرده است. حال آنکه، در آخرین تحلیل همه حزب باید پاسخگویی به آمدهای منفی که بعد نیست، باشد.

مسئله گذار به اقتصاد بازار، مالکیت خصوصی بر زمین و دیگر وسائل تولید و مسائلی که با سرنوشت میلیونها انسان پیوند دارند، بدون مشورت با مردم، هیچگاه نباید به مورد اجرا گذارده شوند و امروز به وجه احسن.

در این اواخر اعتقاد به آرمان سوسیالیستی، به حقانیت گزینش تاریخی با سماحت انکار می‌شود. می‌گویند: اگر انسان کیسه پولش را گم کند، چیز زیادی گم نکرده است، اگر دوستش را ازدست بددهد، خیلی زیاد کم کرده است، اگر انسان اعتقادش را از دست بددهد، همه چیز را ازدست داده است. من در ورای روند از دست دادن اعتقاد خیلی از مردم شوروی به قابلیت حزب برای نجات کشور از وضع بسیار وخیم کنونی، نه بحران حزب کمونیست اتحاد شوروی، بل قل از هر چیز، بحران ارگان های رهبری آن را می‌بینم.

برای ارتقاء وجهه حزب کمونیست روسیه باید چکونگی ساختمان حزب و چکونگی مناسبات درون حزبی را دقتاً روشن ساخت و اعلام داشت که برای حل مسائل بین اندمازه بین فرجیح اقتصادی، اجتماعی و معنوی چه موضعی باید اتخاذ کرد. این نخستین موضوعی است که می‌خواستم رویش تکیه کنم.

موضوع دوم دارای اهمیت، رهائی کمونیستها از سراسیمکی، از عقده گناهکار بودن درباره آن مسائل نادرست است که بدون اطلاع کمونیستها، ولی به نام آنها در حزب انجام شده است.

در این پیوند غیر قابل پذیرش و غیر اخلاقی می‌بود، اگر گناه اشتباها و سریچی ها از موازین زندگی حزبی رهبران جداگانه گذشته و حال را به گردن مجموعه اعضای حزب گذارد و از آنها خواست تا اهلیار پیشمانی کنند. مثل اینکه چنین فشاری هم برای کسانی سودمند است.

موضوع سوم؛ عبارت است از دمکراتیزه کردن بیش از حد حزب، که باید فعالیت خود را براسوی مركزیت - دمکراتیک استوار سازد. البته مفهوم رهه مرکزیت - دمکراتیک صوری بسان آنچه نزد ما وجود داشت و امروز مورد

فرورودین ۶۹ حدود ۲۱ مورد خودکشی و خانواده کشی فقط در شهر تبریز روی داده است. وصیت نامه های تکان دهنده آنها از درد و رنج بی پایان مردم در اوضاع و احوال بسیار سخت اجتماعی حاکم برگشته، حکایت می کند. این درحالی است که مرگ و میر و سکته در بین جوانان و میانسالان و نیز اعیان و فحشا در کشور بیداد می کند.

عدم امکانات تفریحی

شهر تبریز به عنوان یک شهر بزرگ ایران برای جوانان و نوجوانان و همه اشاره مردم دارای امکاناتی ناچیز و در حد صفر است. پارک، کتابخانه، سینما، امکانات ورزشی و تفریحی، موزه، سیل بندهای اطراف شهر، فاضلابها، وسائل اولیه زندگی برای حاشیه نشینان و شهرک‌های اطراف تبریز، وضع خیابانها با ظاهری آشته و پرترالیک و از بابت راهنمایی و رانندگی حقیر و مایوس کننده است. گرچه شهرداری قیمت بلیط شرکت واحد را به ۱۵ ریال افزایش داده، ولی در خدماتش هیچگونه تغییری داده نشده است. با این وجود شهردار تبریز در آخر سال مالی ۱۳۶۸ مبلغ ۱۵۰ میلیون تومان از بودجه ضروری مردم را به عنوان مازاد برای تلاطف به مرکز برگشت داده است. باید گفت که شهرداری از بابت تقلیل زمینهای مردم کلی به آنها متروک است و مردم برای وصول طلب خود و یا برای گرفتن حتی پروانه ساختمان بایستی در سالن این اداره ماهما که هیچ، بلکه سالها، معطل بمانند.



مایه نویسند

آوردنده زندگیم را از من گرفتند، بعد از سال کارگری صاحب این خانه قسطی شده ام ولی می بینی که تنها هستم و با خاطرات گذشته و یاد آنها زندگی می کنم.

ماجرای سکه بهار آزادی

از محافل نزدیک به حاکمیت خبری
بدین مضمون به بیرون درز کرده است:
دولت تصمیم گرفته بود برای جلب نظر
کارگران، به هر کسی از کارآموزان و کارگران
یک سکه بهار آزادی که قیمت دولتی آن
حدود ۴۰۰۰ تومان است عیدی بدهد.
قیمت آزاد آن حدود ۱۲۰۰۰ تومان است.
ولی عده ای از بازاریان و سرمایه داران
نزدیک به رژیم به هیئت دولت و شخص
رفستگانی مراجعته و پیشنهاد کرده اند که
سکه ها را از قرار عددی ۹۰۰۰ تومان به
آنها بپرداختند و دولت بجای طلا پول نقد به
کارگران و کارآموزان بدهد تا نه سیخ
بسوزد و به کباب.

خودکشی و خانواده کشی

به گفته یکی از افسران شهریانی
تبریز از اواسط اسفند ماه سال ۶۸ تا اول

پس از ۴۲ سال
کارگری تنها می کرد

کلاس سوم دیستان بودم که با خانواده آنها آشنا شدم با پسر و دخترش همبازی بودم، خانواده ای قریر و صمیمی که با همسایگان روابط خوب و عاطفی داشتند، بعد از اینکه مجبور به ترک آن محله شدم دیگر از آنها خبر نداشتمن.

بعد از ظهر روز ۲۸ بهمن سال ۱۳۶۸ بود که قد زنان به محل کارم واقع در ... می رفتم، مردم سالماند و سپید موی، با سر و رویی سخت و دردمند توجه ام را بباب کرد. به او نزدیک شده، بعد از سلام حالش را پرسیدم، از من خواست که او را به بیمارستان پرسانم به بیمارستان ... رفتم، بعد از تشریفات اداری و یا شنیدن اسم و فامیلش، همسایه قدیمی خانواده را باز شناختم. قبل از اینکه جویای حال سایر افراد فامیل او بشوم به اتفاق نزد دکتر رفتیم. به دکتر گفت:

آقای دکتر حالم خیلی بد و هیچکس را ندارم تا از من نکهداری کند و مدتی است که به بیماری قلبی مبتلا شده‌ام.

دکتر پرسید: چرا کسی را نداری، برای خانواده ات چه اتفاقی افتاده؟

فقط اشک بود که در جواب دکتر از چشمانش فرو ریخت، دکتر دستور بستری شدن او را داد و او را بستری کردند.

روز ملاقات، جمیعت انبویه تمام اطاقها و راهروهای بیمارستان را پر کرده بود که با گل و شیرینی از بیماران خود عیادت می کردند، ولی او تنها روی تخت نشسته و به مردم و سایر بیماران نکاه می کرد. به طرفش رقص و جویای حاشش شدم. مرا نشناخت. انتظار و تنها او را دچار حالت روحی خاصی کرده بود.

نگاهان فریاد زد:
رودم، رودم (در زیان محلی به معنی عزیزم،
عزیزم از دست رفته است)

با این عمل تمام جمعیت را متوجه خودش کرد.
فریاد می زد که من هم روزی عیال و اولادی داشتم، من
هم زن و فرزند داشتم و قبل از اینکه من پیرمرد از دنیا
بروم آنها را از من گرفتند. آنها را کشتند. کشتند. آن
نامزدها آنها را کشتند، هر کسی برای دلداری چیزی می
گفت. یکی گفت: " خودت را ناراحت نکن پدر،
خدکریه و قصاصن تمام این جنایات را خواهد گرفت "
فریاد زد: آه این حرفا برای من و خانواده هایی که این
خیمنی چیهای جنایتکار بچه هایشان را گرفته اند، بچه
نمی شد.

باگریه فریاد می زد: من پدر ... هستم آنها بچه هام را کشتن و در کانالی که بہر از آب و سیم خاردار و شیشه شکسته بود خاک کردند. من کارگرم و ۴۲ سال کارگری کرده ام تمام امید به آنها بود، زندگیم را نابود کردند، دیگه هیچکس برایم گمانده.

من ... هستم را گفت و بیهوش شد.
چند روز بعد با اینکه بهبود نیافته بود از
بیمارستان مخصوص شد.
شب جمعه بعد به دیدنش رقت. تازه از بهشت
آباد - (که دو قسمت دارد: قسمت عادی و لعنت آباد)
آمده بود با خوش رویی مرا پذیرا شد بعد از اینکه خودم
را معرفی کردم مرا در آغوش گرفت و گریه کرد و
گفت: من، بیشم ... این بی، بدر و مادرها چه بلایی سرما

۱۵ نامه مردم

خطارنشان ساخت که حدود نصف، ۱/۲ تریلیون دلار وام مجموعه کشورهای جهان سوم از آن کشورهای عضو "گروه ۱۵" است.

بدون شک کاری که این گروه به عده گرفته با در نظر گرفتن وام عظیم و عدم وجود طرق عادلانه حل آن به علت مخالفت انصارها و بانکها و دول امپریالیستی از سوئی و سیستم موجود مناسبات غیرعادلانه اقتصادی جهانی از سوی دیگر، بسیار مشکل است. شرکت کنندگان در جلسه این مشکلات را درک می کنند. اما، به نظر ما اقدام آنها به هرحال گامی در جهت جستجوی طرق نجات کشورهای رشدیابنده از مشکلات عظیم اجتماعی و اقتصادی است. گروه ۱۵ جمعی از نایندگان بانک های مرکزی را بوجود آورد که پاید تامین پرداختها، معاملات بازارگان میان کشورهای عضو را به عده گیرد. این گروه اهمیت زیادی به مسئله معامله مستیم میان اعضا می دهد. بدین منظور مرکز تبادل اطلاعات تکنولوژیک ایجاد شد. هم اکنون برخی از کشورهای آمریکای لاتین کائوچوی مالزی را نه مستیم از آن کشور، بلکه به بیانی گواه از لندن وارد می کنند. علت را باید در سمت گیری به مراکز بازرگانی جهانی و یا صریحتر گفته باشیم در نبود اطلاعات لازم پیکاری کرد. "گروه ۱۵" حدود ۱۰ طرح مشابه و از جمله طرح برخود به مفصل عده، یعنی وام را در دست تهیه دارد. ما، متأسفیم که ایران به علت خطف اقتصادی در زمرة این کشورها نیست.

چندی پیش در پایتخت مالزی نایندگان ۱۵ کشور رشدیابنده (الجزایر، آرژانتین، بربزیل، ونزوئلا، مصر، زیباووه، هندوستان، آندونزی، مالزی، مکزیک، پرو، سنگال، یوگسلاوی، جامائیکا و... تشکیل جلسه دادند. این کشورها که نام "گروه ۱۵" را انتخاب کرده اند، سازمان کاملاً جدیدی است.

هم اکنون انواع گروهها برای حل معضلات کشورهای جهان سوم در جنب سازمان ملل متعدد و خارج از آن تشکیل شده است. می توان پرسید: هدف "گروه ۱۵" چیست؟ شرکت کنندگان در جلسه معتقدند امکانات سازمانهای بسیار گسترده و بزرگ بین المللی بسیار محدود است و جلسات آنها بطور عمد با صدور یک بیانی سیاسی پایان می باید. حال آنکه کشورهای رشدیابنده پیش از هرچیز نیاز به تصمیمات عملی در جهت حل معضلات عظیم اجتماعی - اقتصادی دارند.

رئیس جمهور سابق تازانیا اظهار داشت که در "گروه ۱۵" هر تصمیمی با مواقعت همه اعضاء باید اتخاذ گردد که این نیز وضع را اندکی بفرج می کند. زیرا هر نظری در آخرین تحلیل می تواند خواهد بود که از اعضا نباشد.

"گروه ۱۵" خود را روپاروی دیگر سازمان های بین المللی قرار نمی دهد. هدف این گروه حل مسائل علمی است. بی سبب نیست که کشورهای دارای نیرومند در مالزی گردیدند. البته اگر این کشورها بتوانند مفضل "وام" را حل کنند، خواهند توانست کام های محسوس در حل مشکلات بردارند. باید

ما، بار دیگر از همه اعضا و هوداران حزب می خواهیم تا در هرگجا که هستند در جمع آوری کمک و سازمان دادن ارسال آنها به خانواده های زلزله زده از هیچ کوششی درین نورزنند.

کمک به خانواده زندانیان سیاسی

دنباله، هشت ساله از سانفرانسیسکو ۶۰ دلار

NAMEH MARDOM

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

ADDRESSES: 1- P.B. 49034 10028 Stockholm 49 Sweden
2- Dr.W.Silbermayer,PF.398,A-1141 Wien, Osterreich

NO : 318
July 3 1990

نامه مردم

۴۰ : دیال

به ۲۸ امین کنگره ...

طمئن معضلات مریوط به ارزش های عموم بشری، از آنجله کاهش و ازین بدن سلاح های هسته ای و شیمیائی کشتار جمعی، پایان دادن به مسابقه تسلیحاتی متعارفی، نجات انسانها از خطرناک و مرگ تدریجی که در تیجه هرچه بحرانی ترشدن محیط زیست، بوجود آمده است، تامین طرق مناسبات بسیار ایجاد نظم نوین اقتصادی و جلوگیری از وضع بسیار و خم و انفجاری اجتماعی - اقتصادی کشورهای جهان سوم، کمک خواهد کرد.

به نظر ما نیز توفيق دفاع از ارزش های ملی و عموم بشری در ارتباط تکناتک آنها با سرنوشت بخش اعظم بشریت در گذشته استعمار شده و امروز از حافظ اقتصادی و اجتماعی عقب مانده، میسر خواهد بود.

رفقای گرامی ۱

مردم میهن ما ایران، تحت سلطه رژیم قرون وسطائی روزهای بسیار دشواری را می گذرانند. فاجعه کشتار جمعی زندانیان سیاسی نقطه اوج نقض حقوق بشر در ایران بوده است و هم اینک هزاران زندانی سیاسی زن و مرد در بدترین و بی حقوق ترین شرایط در زندانها نگهداری می شوند.

قدان عادی ترین آزادیهای دمکراتیک، زندان و شکنجه و اعدام برای دگراندیشان بیکاری و قتل برای زحمتکشان، ستم مضافت برای زنان و خلق های ساکن ایران تنها تصور کم رنگی است از آنچه در میهن ما می گذرد.

ما توجه آن رفقای ارجمند را به این وضع دشوار مردم میهن مستمده و دریند کشورمان جلب می کنیم. پار دیگر برای آن رفقای ارجمند آرزوی موقعیت می کنیم.

کمک به زلزله زدگان ...

کنند. به نظر ما، در اینکونه موارد باید حساب حکام مرتعج را از حساب مردم مصیبت زده جدا کرد.

به باور ما، موقفیت بزرگی خواهد بود اگر احزاب و سازمانها و گروهها و اتحادیه های سیاسی و اجتماعی بتوانند کمیسیونی و یا کمیته ای مرکب از نایندگان خود برای روشنگری در خارج به قصد شکافتن ژرفای فاجعه دامنکیر مناطق زلزله زده و جلب کمک هرچه بیشتر، تشکیل دهند.

بیشتر است، کمک رسیده پر از این علت این هدیده غیرعادی را می توان و باید در خصلت ضد خلقی رژیم و منفرد بودن آن در جهان جستجو کرد. رسانه های گروهی غرب نیز تحت تأثیر این عامل، ژرفای فاجعه را آنچنان که باید به اطلاع افکار عمومی نرسانند و اکیپ های تلویزیونی خارجی یکی پس از دیگری مناطق زلزله زده را ترک می